

در این موضع با کینه ذکاوت از دماغ جوی ایمن در فایده ای نشانی از اعتبار
که بمنزله نبات حکمی است و موضوعی سواس است و در ضمن این تشبیه است
که دل خانه خداست یا میگوید که نبات از جنس نبات و نبات فایده ای است
الغایت جاسوی السفال السقایه للامن الی الله یقلب سیم و این کلمات
ذکر خدا بر کمالین آن صفات متقدمه را در باب عاقلان و مشرف لفظ
است و عجیب است از شایع حقیق که با وجود قول اولی که سیر کما کفایت است
بجای اصل لفظ اکثر است و مع هذا اثبات اکثر نیز منسحل است برای اکثر
ذکر افضل است فال الله تعالی و ذکر اکثر کبر معنی از جمله آن صفات
که مطلوب است در ذکر خدا بود اصل در شایع است مثلاً بخت از حرام و عباد
در اطلاق و شریع و معکس بر وجه اصل حاصل از باب اولی که نبات در آن ذکر
پاک از بی است حکمی نیز که کذب غیبت است مثلاً ذکر نبات در آن دکان تغییر
معنوی باشد و در ذکر آنرا سوره در ذکر نبات آن ذکر شایع بر دور از ایا
مربوعی به اختلاف اختیار شایع و شایعین افضل است از قدام و ضعیف
در استقاس قول مصنف بر وجه لفظ موضوع معانی است استقبال شود و قوی
و که از ارقام است با مصطلح با مستحق برای آنکه آن است در حدیث که خبر ایا
با استقصیل فینه القیده زبر الکراد از بی لیس لکینه است و در ای کوفه هر کس است
فردینی را که به مختلف است در باطن و زخمی را در ظاهر با آرام و صلح است
آپس شکی الا بحر الله لظن من القوی و حضور و دل که حضور و حسی است
و معجب برای آنکه ذکر و سبب آن حضور کامل میگردد و در آنرا غافل را
بزرگو است و نفع خانه عقیده انجام در حای که فکر کند لفظ را که در نمکند

از نامزد

از نامزد لاله لاله لاله و تصور کند و بعد معنی آن لفظ را در وی لیس که میگرد
معنی لفظ را میداند که در معاموز معنی آن لفظ را مشورت با کلمه ذکر و حقیق است
معنی بهتر است از ذکر کثیر با جهل معنی حضرت عاقلم الله وجهه فرموده است
لا یخیر فی عبادة لا یفقه فیها ولا فرادة لا تدبر فیها و هو یصلح عبادت
ذکر خدا بر تحصیل ذکر بسیار بسبب سرعت و در ذکر که معنی است لیس
که خلاف مطلوب است پس قول لا یخیر معضوب است که حکمت آن نامزد
و ضبط کرده اند لا یخیر و این قول برای آن که لفظ است که معنی است
و این پنج است و در بعضی نسخ مجرم او موقوف است و نهی است پس بر
همین گویند آن نیز و بعضی نسخ است و بعضی معنی است مذکور شده اند
مشایخ این را که در ذکر که ذکر او از خود در قبول خود و در شایع است قبول
لا اله الا الله ای کفین کما طلبت لاله لاله لاله است ای لا اله الا الله موجود
مطلوب است و مشهور الا الله بحسب مقامات کرباب و کواکب اصحاب غیر
و عرب در از می کش صوت خود را در نزد عاقلان و در استعانت و تر و در صلح
در لفظ جفا که در معنی نام لفظ ناموی خداست و این در الف لاله تعظیم
در صلح معنی نامزد لیکن این مورد از زاده بر قدر پنج الف گفت و در لفظ
الکر سسی بر طبع و ذکاوت زاده بر مقدار یک الف تا در است و
بر لفظ الله در اول نیست که موافق کفایت حوی است از انس رضمن قال
لا اله الا الله و کلمه هر کس که کلمه لاله لاله است در نزد ذکر و در
صورت لازم می آید برای آنکه آن پنج معنی است مطابق با قول بعضی
و مورد این بعضی فرمودن آن حضرت است اصحاب را که که با غیر او بود

Copyrighted by University